

## نشانه‌شناسی گفتمان «ظن» در قرآن کریم با تکیه بر الگوی مربع حقیقت‌نمایی

هاله بادینده\*

سید ابراهیم دیباجی\*\*، غلامعباس رضایی هفتادار\*\*\*

### چکیده

قرآن کریم متنی است سرشار از نشانه‌ها و معانی که همواره زمینه را برای به‌کارگیری روش‌ها و رویکردهای متنوع مطالعه و تحلیل متن فراهم می‌سازد. مقاله حاضر بر رویکرد «نشانه‌شناسی گفتمان» در مکتب نشانه‌شناسی پاریس، تکیه دارد. رویکردی که به تجزیه و تحلیل سازوکار ساخت معنا در فرآیند تولید متن می‌پردازد. این نوشتار بر آن است تا با تحلیل ساخت‌های متنی ظن در قرآن کریم و نیز با به‌کارگیری الگوی «مربع نشانه‌شناختی» و مشخصاً با الهام از «مربع حقیقت‌نمایی»، فرآیند شکل‌گیری دلالت ظن را در گفتمان قرآنی تبیین کند. مطالعه چهار گونه ظن در پیکره قرآن کریم نشان می‌دهد که بر اساس مربع حقیقت‌نمایی ظن و علم، انسان در مواجهه با امور مختلف مادی و غیرمادی دچار یکی از چهار حالت توهم ادراکی، صدق، کذب و راز می‌شود و در این میان ایمان و انکار فاعل شناسا در امور غیرمادی همچون رسالت انبیاء، خداوند و صفات او و نیز برپایی رستاخیز، نقش مهمی در سازوکار ساخت معنای ظن ایفا می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، ظن، علم، نشانه‌شناسی گفتمان، مربع نشانه‌شناسی، مربع حقیقت‌نمایی.

---

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،  
hbadindeh@yahoo.com

\*\* استاد گروه زبان و ادبیات عربی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده  
مسئول) Dibagi12@yahoo.com

\*\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، ایران، ghrezaee@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

## ۱. مقدمه

تعقل در آیات از جمله فراخوانهای کلام وحی است که خود گواهی است بر وجود انبوه نشانه‌ها در این متن مقدس: **كذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** (نور: ۶۱) روشن است نتیجه تعقل، حسب تجربه انسانی رسیدن به معانی باطنی نشانه‌ها و فهم فحوای پنهان آنهاست. از سوی دیگر «تعقل» در بستر زمان، چه در روش و چه در ابزار شاهد تحول و تغییر بوده است. می‌توان گفت امروزه «تعقل» بهره‌گیری از ابزارها و دانش‌های جدید معرفتی و زبانی و تدبر روشمند در آیات و مصادیق آن است. خاصه آنکه «پیشرفت سریع این دانش‌ها - به‌ویژه در قرن بیستم - امکاناتی را پدید آورده است که مطالعه زبان دین و متون دینی را وارد مرحله جدیدی ساخته» (صفوی، ۱۳۸۳: ج ۷/۱) و گستره‌های نو و تازه‌ای را فراروی پژوهشگران قرآنی قرار داده است.

در این جستار تلاش شده است تا با تکیه بر الگوی «مربع حقیقت‌نمایی» برگرفته از الگوی «مربع نشانه‌شناختی» مکتب نشانه‌شناسی پاریس از زاویه جدیدی به واژه قرآنی «ظن» نگریسته شود. اهمیت این واژه از آنجا ناشی می‌شود که «ظن» نوعی ادراک است و انسان در مواجهه اولیه با هر عینی برای رسیدن به «شناخت» از این ادراک مدد می‌جوید، ادراکی که یا مبتنی بر حس است یا در چارچوب عقل. در واقع ادراک به واسطه دادوستد مداوم و مستمر بین شناخت حسی و عقلی انسان با جهان پیرامونش، بر همه شئون زندگانی او سایه افکنده است. در نگاهی دقیق‌تر مبنای رسالت انبیاء الهی در برانگیختن این قوه ادراک و تعقل خلاصه می‌شود، چرا که بعثت انبیاء بر آگاهی انسانها از نشانه‌ها و عرضه آنها بر ادراک و اصلاح خطاهای ادراکی بشر استوار است تا در مسیر هدایت او انحرافی پیش نیاید.

### ۱.۱ بیان مسئله

واژه ظن از جمله واژگان اضداد و چند معناست که در کتب لغت، تفاسیر و وجوه و نظائر معانی متعددی برای آن بیان شده است. دو معنای متضاد شک و یقین یا علم از جمله این معانی هستند. بررسی آیات ناظر بر این واژه نشان می‌دهد که فعل ظن در آیات بسیاری از سوی سوره‌های متفاوت، در جایگاه منکر یا مؤمن، صادر شده اما در کتب تفاسیر همواره یکسان معنا شده است، به این معنا که در برخی آیات، ظن مؤمن یا ظن منکر نسبت به

جهان آخرت هر دو «شک» معنا شده است. حال آنکه باور و اعتقادات متأثر از جهان‌بینی سوژه (فاعل‌شناسا) در درجه ظن یا علم او دخیل است و نمی‌توان این مسأله را در نوع و کیفیت و به تبع آن در معنای این ظنون نادیده گرفت.

به نظر می‌رسد الگوی «مربع حقیقت‌نمایی» می‌تواند ما را در فهم چگونگی تولید این ظنون و دریافت تفاوت معانی حقیقی آنها یاری رساند. لازمه به‌کارگیری این الگو استفاده از یک دوگان است و از آنجا که واژه ظن در آیات متعددی<sup>۱</sup> با واژه «علم» همپیوسته است: **وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً<sup>۵</sup>** (نجم: ۲۸) این دو واژه در این مربع قرار داده شده‌اند.

## ۲.۱ پیشینه

برای روشن شدن دیدگاهها و پژوهشهایی که تاکنون درباره موضوع این مقاله انجام گرفته است، لازم است پیشینه واژه ظن در دو حیطه بررسی شود: (۱) مروری بر متون شاخص تفسیری، که با استناد بر این متون می‌توان آراء مفسران را به دو دسته تقسیم کرد. برخی از مفسران معتقدند ظن در قرآن کریم در هر دو معنای شک و یقین کاربرد دارد، مانند: ابوعبیده در *مجاز القرآن* (۱۳۸۱: ج ۴۰/۱)، طبرانی در *التفسیر الکبیر* (۲۰۰۸: ج ۴۵۶/۱)، قرطبی در *الجامع لأحكام القرآن* (۱۳۶۴: ج ۳۷۶/۱) و ابن عاشور در *تفسیر التنویر* (۱۴۲۰: ج ۴۶۵/۱). برخی دیگر نیز معتقدند ظن در قرآن کریم فقط به معنای علم یا یقین به‌کار رفته است، افرادی همچون مقاتل بن سلیمان در *تفسیر مقاتل* (بی‌تا: ج ۱۰۲/۱) طبری در *جامع البیان* (۱۴۱۲: ج ۲۰۷/۱)، سیوطی در *الدر المنثور* (۱۴۰۴: ج ۶۸/۱) و علامه طباطبایی در *المیزان* (۱۳۹۰: ج ۱۵۲/۱). لذا می‌توان گفت که مفسران معتقدند ظن در قرآن کریم به معنای متضاد خود، یقین یا علم، نیز کاربرد دارد.

حیطه دوم به مرور مقالات و پژوهش‌هایی اختصاص دارد که کوشیده‌اند ضمن معرفی الگوهای مکتب پاریس به مطالعات و پژوهش‌های قرآنی بپردازند، از جمله: سعادت مصطفوی، شعیری و رهنما. (۱۳۹۲ش). «از کرامت جاهلی تا کرامت قرآنی: نشانه‌شناسی فرآیند گفتمانی «کرامت» در قرآن کریم با تکیه بر الگوی تنشی». اناری بزچلوبی و شیخ حسینی. (۱۳۹۴ش). «متناسب‌سازی نظریه مربع معناشناسی در قرآن کریم». حاجی‌زاده و قهرمانی و پرور (۱۳۹۵ش). «بررسی فرآیند موسیقی جزء سی قرآن کریم از دیدگاه نشانه معناشناسی گفتمان (مبتنی بر الگوی تنشی)». در این میان تنها مقاله

اناری بزچلویی به بررسی مربع نشانه‌شناسی در مطالعات قرآنی پرداخته است که البته نویسندگان به جای آنکه به چگونگی فرآیند تولید و شکل‌گیری مقولات منطقی (ترم‌ها) بپردازند، به شرح منطقی آنها اکتفا کرده‌اند. از این رو پژوهش حاضر، اولین کوشش است که با تکیه «مربع حقیقت‌نمایی» به بررسی صورت‌بندی و فرآیند تولید معانی یک واژه در گفتمان قرآنی می‌پردازد.

### ۳.۱ سؤالات بحث

این نوشتار در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. در نگاهی به پیکره متن قرآن کریم، فاعل شناسای فعل ظن چه کسانی و متعلقات آن چه چیزهایی هستند؟
۲. بر اساس الگوی «مربع حقیقت‌نمایی»، فرآیند شکل‌گیری دلالت واژه ظن در گفتمان قرآنی چگونه است؟

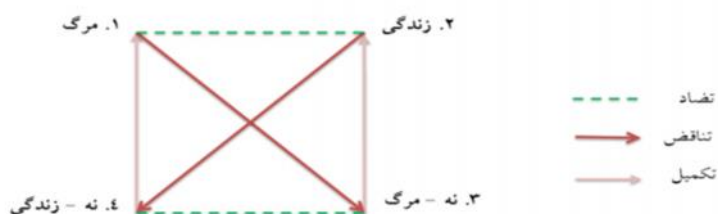
### ۲. مباحث نظری

#### ۱.۲ مکتب نشانه‌شناسی گفتمان پاریس

این مکتب بنا بر تفکر نشانه‌شناختی فیلسوفی لیتوانیایی تبار به نام الگیر یولین گریماس (Algirdas Julien Greimas) (۱۹۱۷-۱۹۹۲م) بنا شد. تلاش مکتب پاریس این بود که به «چگونگی کارکرد، تولید و دریافت معنا در یک متن یا گفتمان دست یابد» (شعیری، ۱۳۹۲: ۲). «پروژه نشانه‌شناختی» گریماس حاصل کوشش او برای تجزیه و تحلیل و صورت‌بندی تمام جنبه‌های متن و تبیین فرآیند تولید معنا و شکل یافتن دلالت در گفتمان بود. به عبارتی دیگر «آنچه که در این مکتب برای یک نشانه‌شناس محور توجه است، این است که چه چیزی یک گفته (Utterance) را معنادار می‌کند، آن گفته چگونه دلالت می‌کند (Signify) و چه چیزی در سطح عمیق‌تر (انتزاعی‌تر) مقدم بر آن هست که در سطح اظهار و عبارت چنین معنایی را به دست داده است». (Martin & Ringham, 2006: 174). مکتب پاریس با معرفی الگوهای متعدد از جمله الگوی «مربع معناشناسی» و «مربع حقیقت‌نمایی» امکان تجزیه و تحلیل روشمند متون را فراهم آورد.

## ۲.۲ مربع نشانه‌شناسی (Semiotic square)

گریماس در سال ۱۹۷۰م در کتاب *درباره معنا* بر اساس یک ساختار تضادی دوگانه، مدلی را ارائه داد. وی بعدها ساختار ابتدایی‌اش را وسعت بخشید تا اصطلاحات و متناقض‌ها را در آن بگنجانند. در اواخر دهه ۶۰ این طرح پیشرفت بیشتری کرد و موجب تولید یک ارائه تصویری گردید که با عنوان «مربع نشانه‌شناسی» شناخته شد. (Martin & Ringham, 2006: 223). این مربع «بازنمود تصویری مفصل‌بندی منطقی هر مقوله معنایی است» (Greimas & Courtes, 1982: 308). بر اساس این تعریف، مربع نشانه‌شناختی بر «مفصل‌بندی منطقی» استوار است، یعنی باید نوع مفصل‌بندی متضادها در ساختار مربع مورد بررسی قرار گیرد. «مربع نشانه‌شناسی با ژرف‌ساخت گفتمان مرتبط است و می‌توان گفت که تمام ساختار روبنایی گفتمان بر این ژرف‌ساخت که همان نقطه مرکزی گفتمان محسوب می‌شود، استوار است» (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۲۷) از این رو «مربع نشانه‌شناسی» به تولید معنا و کشف معنایی که در اعماق نص وجود دارد، می‌پردازد (شعیری، ۱۳۸۷: ۱۳۲) و نشان می‌دهد که چگونه معنا در میان دو مفهوم متقابل و محوری در یک متن، حرکت می‌کند و جابه‌جا می‌شود.



### نمودار ۱. مربع نشانه‌شناسی مرگ و زندگی

مربع نشانه‌شناسی گریماس، از چهار رکن اصلی تشکیل شده است که «می‌توان آنها را به چهار موقعیت بر روی مربع تشبیه کرد. از مجموع این چهار موقعیت، سه نوع ارتباط

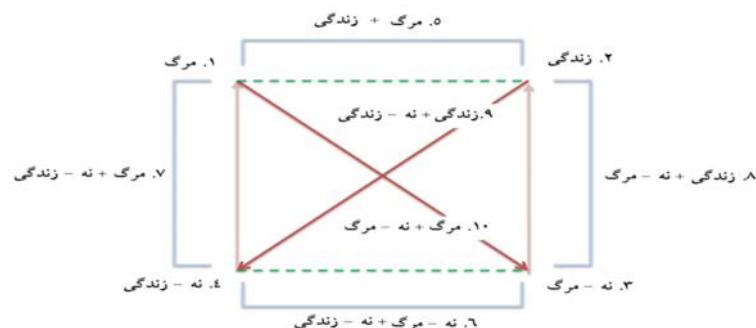
حاصل می‌شود: تقابل تضادی<sup>۲</sup> (Contrariety) که به عنوان مثال بین دو واژه (مرگ و زندگی) وجود دارد. تقابل تناقضی<sup>۳</sup> (Contradiction) که بین متضاد و نفی آن ایجاد می‌شود (مرگ و نقض مرگ). تقابل تکمیلی (Implication) که بین نفی متضاد و واژه مثبت برقرار می‌شود (نقض مرگ و زندگی)» (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

از طریق این روابط، معنا در شکل‌های مختلف تولید می‌شود و در سطح رو ساخت با ساختارهای بیانی متفاوت تجلی می‌یابد. «برای متضاد بودن باید دو لغت با هم اشتراک داشته باشند، مانند گرما و سرما که هر دو در درجه حرارت مشترک‌اند» (Martin & Ringham, 2006: 174). برای رفتن از یک متضاد [مقوله] به متضاد دیگر ابتدا باید مقوله‌ای نقض شود و سپس به متضاد دیگر رسید (عباسی، ۱۳۸۹: ۶۹).



#### نمودار ۲. مسیر حرکت در مربع نشانه‌شناسی

مربع نشانه‌شناسی شامل ۴ ترم و ۶ متاترم به شرح زیر است:



### نمودار ۳. ارکان مربع نشانه‌شناسی

- **ترم‌ها (Terms) یا مقوله‌های ساده:** ترم‌ها چهار موقعیت هستند که ارکان اصلی هر مربع را تشکیل می‌دهند: **موقعیت ۱ (مرگ)**، **موقعیت ۲ (زندگی)**، **موقعیت ۳ (نه-مرگ)**، **موقعیت ۴ (نه-زندگی)**.

- **متاترم‌ها یا مقوله‌های مرکب (Metaterms):** متاترم‌ها شش موقعیت هستند که از ترکیب دو ترم ساده بوجود می‌آیند:

**موقعیت ۵ (۱ + ۲ = زندگی + مرگ):** ترم پیچیده (Complex term)

**موقعیت ۶ (۳ + ۴ = نه-مرگ + نه-زندگی):** ترم خنثی (Neutral term)

متاترم‌های ۵ و ۶ از شایعترین متاترم‌ها هستند.

**موقعیت ۷ (۱ + ۴ = مرگ + نه-زندگی):** اشاره‌گر مثبت (Positive deixis)

**موقعیت ۸ (۲ + ۳ = زندگی + نه-مرگ):** اشاره‌گر منفی (Negative deixis)

می‌توانیم موقعیت‌های ۷ و ۸ را با به عنوان تضعیف یک ترم در نظر بگیریم، مانند: (مرگ + نه-زندگی) که هنوز زندگی است، اما با شدت کمتر، یا به عنوان تشدید یک ترم بدانیم، مانند (زندگی + نه-مرگ) که به وضعیت شدید زندگی مربوط می‌شود، مانند: سرزندگی خارق‌العاده.

**موقعیت ۹ (۲ + ۴ = زندگی + نه-زندگی):** بی‌نام (Unnamed)

**موقعیت ۱۰ (۱ + ۳ = مرگ + نه-مرگ):** بی‌نام.

متاترم‌های ۹ و ۱۰ به دلیل این که اصول تناقض ارسطویی را دنبال نمی‌کنند به رسمیت شناخته نمی‌شوند. لازم به ذکر است، تنها برخی از موقعیتهای احتمالی در یک متن ظاهر می‌شوند و الزامی برای ظهور همه متاترم‌ها وجود ندارد. می‌توان در این مربع سه سطح تحلیل را بیان کرد:

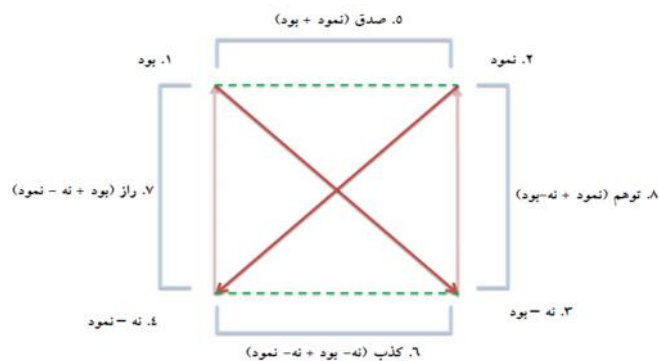
۱. آیا موضوعات یا ابژه‌های تحت پوشش یک موقعیت معین در مربع در عالم واقع وجود دارند یا خیر؟ ۲. آیا می‌توان موقعیتی را با یک کلمه یا عبارت موجود استاندارد نامگذاری کرد؟ ۳. آیا هر موقعیت در یک مربع مشخص در متن به صورت متناظر وجود دارد یا خیر؟<sup>۵</sup> (Hebert, 2011 : 41-50)

### ۳.۲ مربع حقیقت‌نمایی (Veridiction Square)

مربع حقیقت‌نمایی توسط گریماس و جوزف کورتز (Joseph Courtés) مطرح شد و همان مربع نشانه‌شناسی است چرا که غالباً آن را «مربع نشانه‌شناسی حقیقت‌نمایی» (Semiotics Square Of Veridiction معرفی کرده‌اند. (Martin & Ringham, 2006: 208, 205) با این تفاوت که دو مقوله اصلی آن را «بود» (Being) و «نمود» (Seeming) تشکیل می‌دهد (شعیری، ۱۳۸۱: ۹۹). الگوی مربع حقیقت‌نمایی الگویی تحلیلی برای نمایان ساختن فرآیند حقیقت‌نمایی در یک متن است و به مقایسه جنبه باطنی و ظاهری متن می‌پردازد و در نهایت درستی یا نادرستی یک فرآیند نشانه‌شناسی را تبیین می‌نماید. توسعه و گسترش حقیقت‌نمایی این مربع بر تقابل بین «ظاهر شدن یا نمود» و «وجود داشتن یا بودن» پایه‌ریزی شده است. از این رو دو قطب اصلی این مربع را همیشه «بود» و «نمود» تشکیل می‌دهد و بازی حقیقت بین این دو بعد وجودی انجام می‌پذیرد. «مربع حقیقت‌نمایی به ما اجازه می‌دهد خط سیر احتمالات را طرح‌ریزی کنیم، به عنوان مثال یک کارآگاه در داستان مربوط به یک قتل در جستجوی قاتلی است که به نظر می‌آید این عمل را انجام داده است (نمود)، اما او واقعاً قاتل نیست (نه-بود). قاتل واقعی ممکن است به نظر قاتل نیاید (نه-نمود) ولی در واقع قاتل است (بود)، و بالاخره در آخر داستان با ترکیب «بودن» و «نمودن» یک قاتل بوجود می‌آید».

(Ringham & Martin, 2006, 208) مربع حقیقت‌نمایی به شکل زیر ترسیم می‌شود.





#### نمودار ۴. ارکان مربع حقیقت‌نمایی

چنانکه ملاحظه می‌شود این مربع از چهار ترم و چهار متاترم تشکیل شده است. متاترم‌ها از ترکیب دو ترم حاصل می‌شوند، در واقع، وجه‌های واقعیت‌سنجی، با ترکیبات «بودن» و «نمودن» و شکل‌های منفی این دو یعنی «نه-بودن» و «نه-نمودن»، وضعیت‌های اصلی زیر را تولید می‌کنند:

متاترم ۵: صدق منطقی یا درست‌ی (Truth) = بودن + نمود؛ متاترم ۶: کذب منطقی یا نادرستی (Illusion) = نه - بودن + نه - نمود؛ متاترم ۷: راز یا پنهانی (Secret) = بودن + نه - نمود؛ متاترم ۸: توهم یا فریب (Falsehood) = نه - بودن + نمودن.

(Greimas & Courtâes, 2006, 369).

می‌توان در این مربع «موضوعی» را قرار داد و با کمک آن حقیقت آن موضوع را ارزیابی کرد.

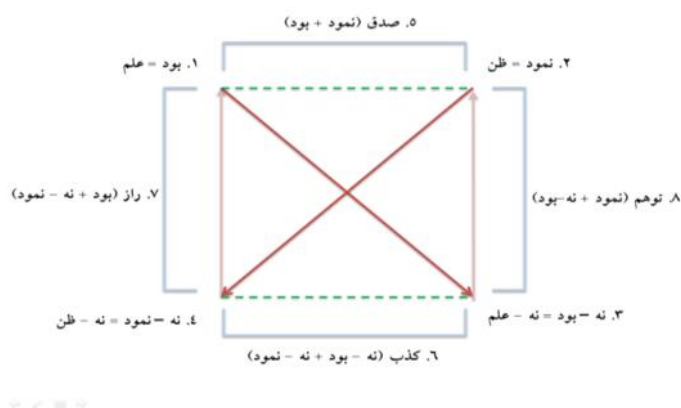
(Greimas & Courtâes, 200: 369 Hebert. 2011, 51- 57)

در واقع در دو موقعیت «بود» و «نمود» دوگانی را قرار می‌دهیم که قرار است حقیقت آن را از طریق این مربع ارزیابی نماییم.

### ۳. بحث و بررسی

تبیین مربع حقیقت‌نمایی واژه ظن موجب می‌شود تا هستی‌ظنونی که برای ما در حجاب‌اند، پدیدار شوند. این مربع به ما نشان می‌دهد که ظن در قرآن کریم می‌تواند ناظر به وضعیت‌ها و لحظه‌های متفاوت در فرآیند ادراک باشد. گاهی با «ظنی» مواجهیم که همان

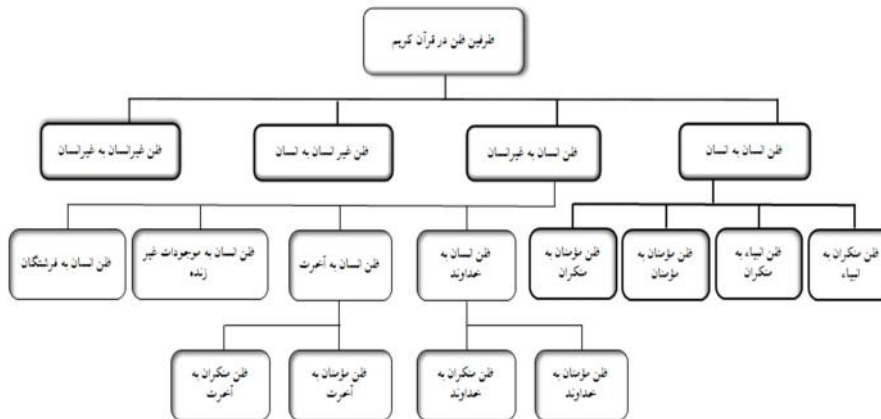
«ادراک اولیه» است یعنی ادراکی که به پدیدار ما قبل علم و ما قبل تعقل توجه دارد که از آن به «نمود» تعبیر می‌نماییم و گاهی با ظنی روبرو می‌شویم که ظنی است آزموده شده و ادامه یافته و از آن به «علم» تعبیر می‌نماییم و می‌تواند با «بود» همبسته باشد. می‌توان مربع حقیقت‌نمایی واژه ظن را به شکل زیر ترسیم نمود.



#### نمودار ۵. مربع حقیقت‌نمایی ظن

بدیهی است لازمه استفاده از این مربع یافتن «بود»ها و «نمود»ها در آیات است که گاه به روشنی نمایان می‌شوند و گاه برای یافتن آنها بایستی از ظواهر و قرائن موجود مدد جست.

از آنجا که تولد متون با حضور فاعل شناسا و متعلقات آن تحقق می‌یابد و حضور هیچ ابژه‌ای بدون در نظر گرفتن سوژه یا فاعل شناسای آن اعتبار ندارد، اینک با توجه به تنوع طرفین ظن، به بررسی آیات ناظر بر این واژه پرداخته و در ضمن آن جایگاه هر یک را در مربع حقیقت‌نمایی مشخص می‌نماییم و تأثیر این جایگاه را در ترجمه آیات داخل قلاب [ ذکر نمودیم.



نمودار ۶. گونه‌های ظن در قرآن کریم

### ۱.۳ ظن انسان به انسان: این نوع ظن به چهار زیرگونه تقسیم می‌شود

#### ۱.۱.۳ ظن منکران به انبیاء الهی

می‌توان تردید اولیه در مواجهه با دعوت انبیاء الهی را به عنوان یک حق برای انسانها تصور نمود، اما اصرار در استمرار این تردید، موجب شکل گرفتن «توهم» ادراکی می‌گردد که به سوی تکذیب میل می‌کند. در بیان قرآن کریم، ظن منکران نبوت در متن‌های مرتبط با موسای نبی (ع) بیش از دیگر انبیاء الهی مطرح است:

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زُلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ نَبْعَثَ اللَّهَ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ (۳۴)... (۳۵) وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أُنَبِّئُكَ الْأَسْبَابَ (۳۶) أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَاتَّطَلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ (۳۷) ۵ (غافر)

(یوسف پیش از این با دلایل روشن بر شما مبعوث شد و شما از آنچه آورده بود هم چنان در شک می‌بودید. چون یوسف بمرد گفتید: خدا پس از او دیگر پیامبری نخواهد فرستاد. خدا گزافکار شک‌آورنده را این‌گونه گمراه می‌سازد، (۳۴)... (۳۵) فرعون

گفت: ای هامان، برای من کوشک بلندی بساز، شاید به آن درها دست یابم (۳۶) درهای آسمانها. و خدای موسی را ببینم، زیرا پندارم که دروغ می‌گوید. بدین سان کردار زشت فرعون در نظرش آراسته شد و او از راه باز ماند و چاره‌جویی او جز زیان هیچ نبود (۳۷).

در این آیات گفته‌پرداز وحی از منظر فرعون سخن می‌گوید، از این روی فرعون فاعل ظن است و موسای نبی (ع) را به سبب دعوت به پرستش خداوند، کاذب می‌پندارد. واضح است که نمودی به عنوان «دعوی رسالت» بایستی با «بودی» از منظر فرعون مطابقت نداشته باشد تا فرعون بر انکار خود اصرار ورزد. در واقع از دیدگاه فرعون امر رسالت موسای نبی (نمود) با «بود»ش همراه نیست (نمود+ نه- بود)؛ چرا که وی همچون دیگر منکران بر این باور است که دیگر رسولی برایشان ارسال نخواهد شد (لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا) این یعنی «نه- بود». لذا این نوع ادراک فرعون در «مربع حقیقت‌نمایی» در موقعیت ۸ (توهم) قرار دارد و وی دچار «توهم» ادراکی شده است. تعبیر (كَذَلِكَ زَيْنَ لَفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ) نیز نشان می‌دهد از زاویه دید وحی ظن فرعون «توهم ادراکی» ای بیش نیست. در آیات دیگری ملاحظه می‌شود که همین نوع ظن درباره دیگر انبیاء الهی، همچون هود،<sup>۷</sup> نوح<sup>۸</sup> و شعیب<sup>۹</sup> به‌کار رفته است و منکران، آنان را که خود را رسولان الهی می‌خوانند، دروغگو می‌پندارند.

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ (۱۷۶) إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ (۱۷۷) إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۷۸) فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا (۱۷۹).... قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ (۱۸۵) وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ (۱۸۶) 5 (شعراء)

مردمی که پیامبران را تکذیب کردند. (۱۷۶) آن گاه که شعیب به آنها گفت: آیا پروا نمی‌کنید؟ (۱۷۷) من برای شما پیامبری امین هستم. (۱۷۸) از خدا بترسید و از من اطاعت کنید. (۱۷۹) ... گفتند: جز این نیست که تو را جادو کرده‌اند. (۱۸۵) تو نیز بشری همانند ما هستی و می‌پنداریم که دروغ می‌گویی (۱۸۶).

در آیات فوق اصحاب الایکه، شعیب نبی (ع) را که «بودی» واقعی او از منظر وحی «رسول» امین است و به پشتوانه این بود، به قومش انذار می‌دهد (أَلَا تَتَّقُونَ)، دروغگو می‌پندارند. چرا که «بود» شعیب نبی (ع) از منظر این اصحاب، «فردی مسحور شده و بشری مانند خودشان است» (إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا) اما خود را در قالب «رسول امین» برای آنها می‌نمایاند (نمود) از این روست که با قاطعیت وی را دروغگو برمی‌شمردند، زیرا در یک «توهم» ادراکی «نمود» وی را مطابق با آن «بودی» که تصور می‌کردند،

نشانه‌شناسی گفتمان «ظن» در قرآن کریم با تکیه بر الگوی ... ۱۳

نمی‌دیدند (نمود+ نه- بود). این نوع ظن منکران به انبیاء الهی در آیات ۱۵۷ نساء و ۱۲ فتح<sup>۹</sup> نیز مشاهده می‌شود.

### ۲.۱.۳ ظن انبیاء به منکران

با تغییر زاویه دید گفته‌پرداز، انبیاء در جایگاه فاعل شناسا قرار می‌گیرند و ظن انبیاء به منکران در آیاتی چند از قرآن کریم<sup>۱۰</sup> مشاهده می‌شود، مانند:

6 يَا صَاحِبِي السُّجْنِ أَمَا أَحَدَكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخِرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ (۴۱) وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السُّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ (۴۲) 5 (يوسف)

(ای دو زندانی، اما یکی از شما برای مولای خویش شراب ریزد، اما دیگری را بر دار کنند و پرندگان سر او بخورند. کاری که درباره آن نظر می‌خواستید به پایان آمده است. (۴۱) به یکی از آن دو که می‌دانست [به حقیقت و درستی می‌دانست] رها می‌شود، گفت: مرا نزد مولای خود یاد کن. اما شیطان از خاطرش زدود که پیش مولایش از او یاد کند، و چند سال در زندان بماند (۴۲)).

در این آیه گفته‌پرداز از جایگاه فاعل، که در این آیه یوسف نبی(ع) است، سخن می‌گوید. او که نسبت به یار زندانی خود علم دارد که وی از میان دو یار زندانی او نجات خواهد یافت ولذا از او می‌خواهد وی را نزد عزیز مصر یاد کند. «بود» این مسأله آزادی یار زندانی است و مؤید این مطلب تعبیر (فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ) است. خواب یار زندانی (يَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا) «نمود» این امر برای یوسف نبی است که وی آزاد خواهد شد و برای مولایش شراب خواهد ریخت. از این رو می‌توان گفت این نوع ظن در موقعیت ۵ مربع حقیقت‌نمایی یعنی «حقیقت» جای می‌گیرد. بدین معنا که یوسف به حقیقت این امر که یارش آزاد خواهد شد پی برده بود (بود+ نمود).

### ۳.۱.۳ ظن مؤمنان به مؤمنان

در آیات سه‌گانه ذیل گفته‌پرداز وحی روایتی از ظن را ارائه می‌دهد که فاعل شناسا و طرف دیگر ظن هر دو از مؤمنان هستند.<sup>۱۱</sup> اینک به بررسی معنای حقیقی ظن در آیه ۱۲ نور می‌پردازیم:

۶ إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۱۱) لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِنَفْسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ (۱۲) 5

کسانی که آن دروغ بزرگ را ساخته‌اند گروهی از شمايند. مينداريد که شما را در آن شری بود. نه، خير شما در آن بود. هر مردی از آنها بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است به کيفر رسد، و از میان آنها آن که بيشترين اين بهتان را به عهده دارد به عذابی بزرگ گرفتار می‌آيد. (۱۱) چرا هنگامی که آن بهتان را شنيديد مردان و زنان مؤمن به خود گمان نیک نبردند و نگفتند که اين تهمني آشکار است؟ (۱۲).

طرفين ظن در اين آیات مؤمنانند که با توجه به داستان افک، از ظن آزموده نشده مبتنی بر «شنیدن» بر حذر داشته می‌شوند تا به محض شنیدن خبری نسبت به مؤمنان گمان بد به دل راه ندهند و «نمود»های شنيداری را «بود»های واقعی تلقی نکنند. به عبارتی نباید آنچه را می‌شنوند (نمود)، مطابق «بودی» بدانند که از آن مطلع نیستند، و اساساً نباید به دنبال «بود» آن باشند. در واقع با توجه به مربع حقیقت نمایی باید هر نمود خالی از علم، به جای حرکت به سمت وضعیت «صدق»، به سوی وضعیت «کذب» سوق داده شود تا اينچنين اصل بر «گمان نیک» باشد و اتهام ديگر جایی نداشته باشد. در اين آیه ظن در مربع حقیقت نمایی در موقعیت ترم ساده ۲ (نمود) قرار می‌گیرد.

### ۴.۱.۳ ظن مؤمنان به منکران

این جایگاه از ظن؛ فقط در آیه ۲ سوره مبارکه حشر مشاهده می‌شود:

۶ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا ... 5

(اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه‌هایشان بیرون راند و شما نمی‌پنداشتید که بیرون روند. آنها نیز می‌پنداشتند حصارهایشان را توان آن هست که در برابر خدا نگهدارشان باشد. خدا از سویی که گمانش را نمی‌کردند بر آنها تاخت آورد (۲)).

چنانکه ملاحظه می‌شود در این آیه طرفين ظن مؤمنان و کافران اهل کتاب‌اند. نمود در این آیه «عدم امکان خروج اهل کتاب از سرزمینشان» است. دلایل چنین نمودی، استحکام دژهای آنان بود که علاوه بر مؤمنان، خود آنها را نیز بر این باور رسانده بود که احدی توان

اخراجشان را ندارد: (ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ). اما «بود» واقعی این استحکامات از زبان گفته‌پرداز بر ما آشکار می‌شود و آن اینکه دژها نمی‌توانند در مقابل اراده الهی از ایشان محافظت نمایند: (فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا). به بیانی دیگر چه نزد مؤمنان و چه در نزد اهل کتاب، (نمود با نه - بود) هم پیوست شده است که در مربع حقیقت نمایی از آن به «توهم» ادراکی یاد می‌شود

### ۲.۳ ظن انسان به غیر انسان

از منظر این جایگاه چهار نوع ظن متصور است:

#### ۱.۲.۳ ظن انسان به خداوند

در این جایگاه با تکیه بر منظر فاعل شناسا دو نوع ظن مشاهده می‌شود:

##### ۱.۱.۲.۳ ظن مؤمنان به خداوند

6... ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ (۱۵۴)  
5 (آل عمران)

... آن گاه، پس از آن اندوه، خدا به شما ایمنی ارزانی داشت، چنان که گروهی را خواب آرام فرو گرفت. اما گروهی دیگر که چون مردم عصر جاهلی به خدا گمانی باطل داشتند، هنوز دستخوش اندوه خویش بودند و می‌گفتند: آیا هرگز کار به دست ما خواهد افتاد؟ بگو: همه کارها به دست خداست (۱۵۴).

در این آیات گفته‌پرداز وحی این «بود» را آشکار می‌کند که تدبیر امور به دست خداست (إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ) تا بدین وسیله بتواند مخاطب را بر عدم تطابق «نمود» دسته‌ای از مؤمنان که تدبیر امور به دست خودشان است (هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ) آگاه سازد (نمود+ نه- بود). به دلیل «غیر حق» بودن این ظن، کلام وحی با «ظن جاهلی» نامیدن ادراک این دسته از مؤمنین بر «توهم» بودن آن گواهی می‌دهد.

گاهی نیز فاعل شناسای این نوع ظن، پیامبران بودند و متعلق آن پروردگار، مانند آنچه در آیه زیر درباره داوود نبی (ع) مشاهده می‌شود.

۶ إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲) إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً فَقَالَ أَكْفَلْنَاهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (۲۳) قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجِكَ إِلَيَّ نِجَاحِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴) ۵ (ص)

بر داوود داخل شدند. داوود از آنها ترسید. گفتند: مترس، ما دو مدعی هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است. میان ما به حق داوری کن و پای از عدالت بیرون منه و ما را به راه راست هدایت کن. (۲۲) این برادر من است. او را نود و نه میش است و مرا یک میش. می‌گوید: آن را هم به من واگذار، و در دعوی بر من غلبه یافته است. (۲۳) داوود گفت: او که میش تو را از تو می‌خواهد تا به میش‌های خویش بیفزاید بر تو ستم می‌کند. و بسیاری از شریکان جز کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند- و اینان نیز اندک هستند- بر یکدیگر ستم می‌کنند. و داوود دانست [این حقیقت برایش آشکار شد] که او را آزموده‌ایم. پس از پروردگارش آمرزش خواست و به رکوع درافتاد و توبه کرد (۲۴).

در این آیه «بود» و «نمود» مسأله به وضوح بیان نشده است، اما نتیجه ترکیب آنها را با توجه به انتهای آیه می‌توان دریافت، آنجا که «بود» و «نمود» این آزمایش الهی برای داوود (ع) یکی می‌شود، چرا که این دریافت به استغفار و توبه وی منتهی شده است (فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ) و این نشان می‌دهد وی «حقیقتی» را دریافته که آن ابتلاء به آزمایش الهی است (بود+ نمود). این نوع ظن در آیات دیگری قابل مشاهده است.<sup>۱۲</sup>

### ۲.۱.۲.۳ ظن منکران به خداوند

۶ وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَعَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶) ۵ (فتح)

و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که بر خدا بدگمانند [گمان کاذب دارند] عذاب کند. بر گردشان بدی حلقه زند و خدا بر آنها خشم گرفت و لعنتشان کرد و جهنم را برایشان آماده کرده است و جهنم بد سرانجامی است (۶).

در این آیه گزارش وحی با وعده عذاب الهی آغاز می‌شود و گفته‌پرداز آن را نتیجه «نمود» سوء خداوند برای زنان و مردان منافق و مشرک می‌داند (الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ). از



نتیجه تلقی چنین نمودی می‌توان دریافت که «بود» خداوند با چنین پندار و «نمودی» هیچ تطابقی ندارد و گمان اینان با جمع بین «نه- نمود و نه- بود» در موقعیت «کذب» مربع حقیقت نمایی واقع شده است. بی‌جهت نیست که چنین ظنی «سوء» نامیده شده و مورد غضب و لعن الهی است.

6 وَإِنْ تُطْعُ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶) 5 (انعام)

(اگر از اکثریتی که در این سرزمین‌اند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه سازند. زیرا جز از پی گمان [پندار کاذب] نمی‌روند و جز به دروغ سخن نمی‌گویند).

یکی از طرفین فعل ظن، اکثریت غالبی هستند که از طریق الهی منحرف شده‌اند و موجبات ضلالت دیگران را فراهم می‌آورند. متعلق ظن که در آیه تلویحاً به آن اشاره شده است، خداوند و سبیل الهی است. در انتهای آیه به روشنی زاویه دید وحی که این نوع ظن را بر «کذب» استوار می‌داند بیان شده است، بدون آنکه به وضوح به «بود» و «نمود» آن اشاره‌ای نماید. این بدان معناست که «بود» و «نمود» خداوند برای این افراد با هم تطابق ندارد و (نه- بود + نه- نمود) نتیجه موقعیت آنها در مربع حقیقت‌نمایی است که این نوع ظن را در متاثرم ۶ یعنی «کذب» قرار می‌دهد. همین معنا در آیه ۱۴۸ سوره انعام نیز آمده است.<sup>۱۳</sup> بر این اساس، آیات فوق، نشان می‌دهد زمانیکه فاعلان شناسا از منکران‌اند، موقعیتشان در مربع حقیقت‌نمایی «توهم» یا «کذب» خواهد بود.

### ۲.۲.۳ ظن انسان به آخرت و رستاخیز

ظن آدمی به غیب و رستاخیز، از گونه‌های بسیار مهم و پر بسامدی است که آیات بسیاری را به خود اختصاص داده است. چه اینکه ادراک آنچه غایب است همواره برای انسان دشوار بوده است. در این زمینه، فاعل شناسای ظن نیز همچون ظن به خداوند، می‌تواند گاه منکران باشد و گاه مؤمنان که آیات مرتبط به آن با محوریت زاویه دید فاعل شناسا در ذیل بررسی می‌گردد:

### ۱.۲.۲.۳ ظن مؤمنان به آخرت

6 فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَبُ أَكْتَابِيهِ (۱۹) إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ (۲۰) 5 (حاقة)

(اما هر کس که نامه اعمالش را به دست راستش دهند، می گوید: نامه مرا بگیرید و بخوانید. (۱۹) من یقین داشتم [به این راز پی برده بودم] که حساب خود را خواهم دید ((۲۰)).

آیه ۲۰ سوره حاقه درباره مؤمنانی است که نامه اعمالشان به دست راستشان داده می شود و این کنایه از رستگاری آنهاست. از جمله «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ» برمی آید که این مؤمنان در دنیا به وجود «بودی» پی برده بودند، بی آنکه آن بود، در دنیا «نمودی» داشته باشد. در واقع ماهیت ایمان نیز همین است، باوری برخاسته از نشانه‌ها. لذا موقعیت آنها در مربع حقیقت یابی جمع بین (بود و نه- نمود) است که متاترم آن «راز» را تحقق می بخشد. شرط ایمان نیز رازآلود بودن متعلق ایمان است. از این رو می توان این فرضیه را مطرح کرد که ظن در این آیه به معنای «باور آوردن» و «معتقد بودن» نزدیک شده است، باوری که برخاسته از ادراک نشانه‌هاست.

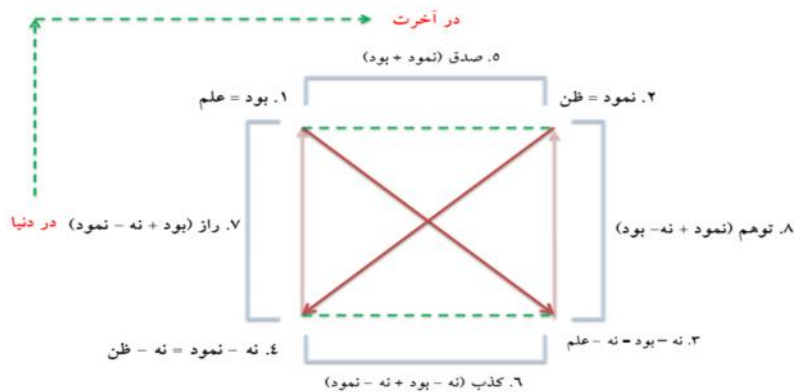
در آیات زیر نیز بدون آنکه به بود و نمود اشاره شود، استعانت از صبر و نماز خاشعین نشان می دهد که مؤمنان به این «راز» باور دارند.

6 وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (۴۵) الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۴۶) 5 (بقره)

(از شکیبایی و نماز یاری جوید. و این دو، کاری دشوارند، جز برای اهل خشوع: (۴۵) آنان که بی گمان می دانند [به این راز پی برده‌اند] که با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و نزد او باز می گردند ((۴۶)).

و همین امر در آیه ۲۴۹ بقره درباره طالوت و جنود مؤمنش تکرار می شود: 6 فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ ... فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ (۲۵۹) ... 5 (بقره)

نهایت این ظن نیکو و باور به راز، سرخوشی مؤمنان در آخرت است که رستاخیز انطباق «بود»ها با «نمود»هاست و در واقع مؤمنان با شهود حقائق از مقوله «راز» به سوی مقوله «صدق» حرکت می کنند.



نمودار ۷. مسیر ظن مؤمنان در دنیا تا آخرت

### ۲.۲.۲.۳ ظن منکران به جهان آخرت

آیه ۶۰ سوره مبارکه یونس از جمله آیاتی است که به شک منکران در برپایی رستاخیز اشاره دارد.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنَ الرَّزْقِ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَىٰ اللَّهِ تَفْتُرُونَ (۵۹) وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَىٰ اللَّهِ الْكُذْبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَىٰ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ (۶۰) ۵ (یونس)

بگو: آیا به رزقی که خدا برایتان نازل کرده است نگریسته‌اید؟ بعضی را حرام شمردید و بعضی را حلال. بگو: خدا به شما اجازه داده است یا به او دروغ می‌بندید؟ (۵۹) آنان که به خدا دروغ می‌بندند درباره روز قیامت چه گمان کرده‌اند [چه پندار کاذبی دارند]؟ خدا فضل خود را به مردمان ارزانی می‌دارد، ولی بیشترینشان شکر نمی‌گویند (۶۰).

فاعلان شناسا در این آیه با صفت «دروغ بستن به خدا» معرفی می‌شوند و روشن است آنکه مبنای تردیدش دروغ باشد ترکیبی از (نه-بود + نه-نمود) را بوجود می‌آورد که موقعیت آن در مربع حقیقت‌نمایی متاثرم ۶ یعنی «کذب» است و اینچنین عالم غیب برای آنان نه در دنیا نمودی دارد و نه به زعم ایشان «بودی» دارد که برایشان آشکار شود.

6... وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا آذْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ (۴۷) وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ  
مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ (۴۸) 5 (فصلت)

... آن روز که ایشان را ندا دهد که شریکان من کجایند؟ گویند: آگاهت کردیم که کسی از ما به شرک گواهی نمی‌دهد. (۴۷) و آنچه را پیش از این به خدایی می‌خواندند از دست دادند و دانستند [به این حقیقت دست یافتند] که راه گریزی ندارند (۴۸).

منکران در روز قیامت به شهود حقایق عالم می‌رسند و آن روز درمی‌یابند که دیگر راه گریزی ندارند. چه آنکه در آن روز «بود» و «نمود» با هم تطابق کامل پیدا می‌کنند (بود+ نمود)، آنچه در دنیا برای این دسته افراد دربارهٔ جهان آخرت «کذب» می‌نمود، اینک به «صدق» مبدل شده و تحقق یافته است؛ لذا آن روز ندا سر می‌دهند که شریکان من کجایند؟ (آذْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ).

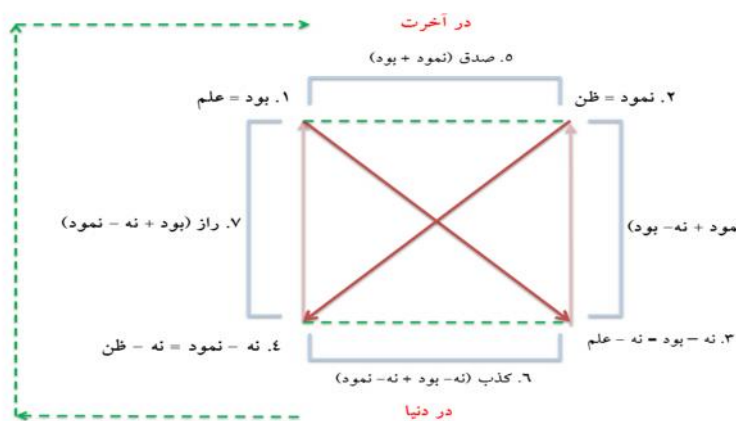
6 وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ (۲۴) ... (۳۱) وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيِقِّينَ (۳۲) 5 (جاثیه)

و گفتند: جز زندگی دنیوی ما هیچ نیست. می‌میریم و زنده می‌شویم و ما را جز دهر هلاک نکند. آنان را بدان دانشی نیست و جز در پنداری [کاذب و دروغین] نیستند. (۲۴)... (۳۱) چون گفته می‌شد که وعدهٔ خدا حق است و در قیامت تردیدی نیست، می‌گفتند: ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ جز گمانی نمی‌بریم [ما قطعاً آن را پنداری کاذب می‌دانیم] و به یقین نرسیده‌ایم [ما طالب رسیدن به یقین هم نیستیم] (۳۲).

چنانچه ملاحظه می‌شود در این آیه برخی افراد که از هوای نفس خود تبعیت می‌کنند نسبت به وجود جهان آخرت دچار ظن و تردید می‌شوند، چرا که معتقدند این دهر است که موجب هلاکت آنها می‌شود (ما هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ). به عبارتی جهان آخرت برای این دسته از افراد نه «بود»ی دارد و نه «نمود»ی (نه- بود+ نه- نمود) بدین معنا که پندارشان «کاذب» است. خداوند در این آیات این ظن را به چالش می‌کشد و بیان می‌دارد که عقبه‌ای از علم و آگاهی ندارد (وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ). در ادامه همین آیات آمده است که برخی از کفار، زمانی که آیات برای آنان تلاوت می‌شود تکبر می‌ورزند، آنان تصور می‌کنند قیامت که امری غایب است، هرگز برپا نخواهد شد و از منظر این افراد برپایی رستاخیز که گفته‌پرداز به «بود»ش تأکید می‌ورزد (إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ

لا رَيْبَ فِيهَا) امری نامعلوم است (ما نَذْرِي مَا السَّاعَةُ)، (نه- نمود) از این رو وجود آن روز را تکذیب می‌کنند چه اینکه این افراد تلاشی برای حرکت به سوی آگاهی ندارند (ما نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ).

نمونه‌های دیگری از این ظن در آیات دیگری از متن مقدس آمده است: <sup>۱۴</sup> بررسی آیات ناظر بر ظن منکران نشان می‌دهد که منکران در دنیا، وجود جهان آخرت را «کذب» می‌دانند اگرچه در روز رستاخیز با روبه‌رو شدن با حقیقت امر به «صدق» دست می‌یابند و به همین دلیل بسیار غمگین‌اند.



نمودار ۸ مسیر ظن منکران از دنیا تا آخرت

### ۳.۲.۳ ظن انسان به موجودات غیرزنده

تردید انسان درباره موجودات غیر زنده همچون طبیعت، اشیاء، بُت‌ها و... ذیل این نوع از ظن و گمان قرار می‌گیرد و تعدادی از آیات بر آن تأکید دارند: **وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا (۳۲) ... (۳۴) وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا (۳۵) 5** (کهف)

برایشان داستان دو مرد را بیان کن که به یکی دو تاکستان داده بودیم و بر گرد آنها نخلها و در میانشان کشتزار کرده بودیم. (۳۲) ... (۳۴) و آن مرد ستم بر خویشتن کرده به باغ خود درآمد و گفت: نپندارم که این باغ هرگز از میان برود (۳۵).

در آیه فوق گفته‌پرداز از منظر فاعل شناسا که یکی از دو نفری است که صاحب باغ بزرگی است سخن می‌گوید که وی گمان نمی‌کرده است روزی باغش از بین برود. (آتتْ أَكْلَهَا وَ لَمْ تَطْلِمِ مِنْهُ شَيْئًا) «نمود» برای چنین فردی گزاره‌ای است که بر زوال‌ناپذیری تأکید دارد و مصداق آن در این مورد باغ اوست، حال آنکه «بود» هر چیزی «زوال‌پذیری» آن است از جمله این باغ. لذا موقعیت چنین فردی (نمود+ نه- بود). خواهد بود که دلالت بر «توهم» ادراکی صاحب باغ دارد.

6 وَالَّذِينَ يَمَسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (۱۷۰) وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۱) 5(اعراف)

آنان که به کتاب خدا تمسک می‌جویند و نماز می‌گزارند بدانند که پاداش نیکوکاران را تبه نمی‌سازیم. (۱۷۰) و کوه را بر فراز سرشان چون سایبانی نگه داشتیم و می‌پنداشتند که اکنون بر سرشان خواهد افتاد. کتابی را که به شما داده‌ایم با نیرومندی بگیرید و هر چه را که در آن آمده است به یاد دارید، باشد که پرهیزگار شوید (۱۷۱).

از شاهد مثالهای دیگر در خصوص ظن به موجودات غیر زنده گزارش گفته‌پرداز در این آیه است که در آن «مصلحین» با «نمود»ی از کوه مواجه می‌شوند که چون سایه‌بانی بر سر آنهاست (كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ) و ظن سقوط را در ذهن آنها ایجاد می‌کرد، اما در عالم واقع «بود» عدم سقوط کوه است. در چنین شرایطی موقعیت افراد متاثرم ۷ در مربع حقیقت‌نمایی است که نشان می‌دهد آنها دچار توهم ادراکی شده اند (نمود+ نه- بود).

6 أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ (۱۹) وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ (۲۰) ... (۲۲) إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ (۲۳) 5 (نجم)

آیا دو بت بزرگ لات و عزای خود را دیدید (که بی اثر است)؟ (۱۹) و منات سومین بت دیگرتان را دانستید (که جمادی بی‌نفع و ضرر است)؟ ... (۲۲) این بت‌ها جز نامهایی که شما و پدرانتان بر آنها نهاده‌اید چیز دیگری نیست و خدا هیچ دلیلی بر (معبودیت) آنها نازل نفرموده، مشرکان چیزی غیر گمان باطل و هوای نفس فاسد خود را پیروی نمی‌کنند با آنکه از جانب خدایشان هدایت بر آنها آمد (۲۳).

در آیه ۲۳ سوره مبارکه نجم فاعل شناسا، مشرکان و پدرانشان هستند که بت‌های لات و منات و عزّی را می‌پرستند، از توضیح نخست آیه برمی‌آید که آنها می‌پندارند همهٔ تدابیر به دست بتان آنهاست. از زاویه دید وحی، بتان برای مشرکان «نمود»ی دارند که با «بودشان» که فقط نامی از خدایی دارند و خداوند هیچ دلیلی بر (معبودیت) آنها نازل نکرده است (إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ). در ادامه آیه نشان می‌دهد که آنها تلاشی در جهت پر کردن ظن خود به سوی علم نشان نمی‌دهند و علیرغم هدایت بر این وضعیت استمرار می‌ورزد (وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى) لذا در این آیه ظن، برابر با کشش نفسانی آمده است (وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ). چنین موقعیتی در مربع حقیقت‌نمایی متاثرم ۸ یعنی جمع بین (نمود و نه - بود) است که منجر به توهم می‌شود. این نوع ظن در آیات دیگری قابل ملاحظه است.<sup>۱۵</sup>

### ۴.۲.۳ ظن انسان به فرشتگان

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونُ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى (۲۷) وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُعْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا (۲۸) 5 (نجم)

آنان که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را به نام‌های زنان می‌نامند. (۲۷) اینان را بدانچه می‌گویند هیچ دانشی نیست. تنها از پندار خود پیروی می‌کنند و پندار برای شناخت حقیقت کافی نیست (۲۸).

در این آیه «بود» ملائکه با «نمود»ی که مُدِرک دارد (لَيَسْمُونُ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنثَى) مطابقت ندارد (نمود+ نه - بود). چنین موقعیتی، از «توهم» ادراکی در مربع حقیقت‌نمایی حکایت دارد. در انتهای آیه گفته‌پرداز خود این ادراک را به چالش می‌کشد و بیان می‌دارد که چنین ادراکی انسان را به حقیقت رهنمون نمی‌کند (إِنَّ الظَّنَّ لَا يُعْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا).

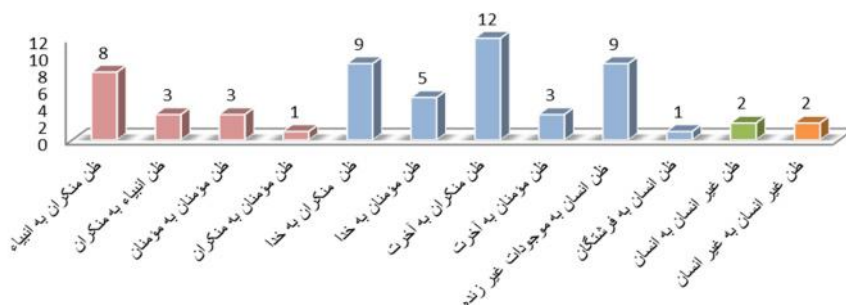
### ۳.۳ ظن غیرانسان به انسان

این نوع ظن چنینان به انسان در دو آیه بیان شده است آیه ۵ سوره جن: 6 وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَنَا نَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا 5 و آیه ۲۰ سوره سبأ: 6 وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 5. از آنجا که در این پژوهش ظن انسان مد نظر بوده است به ذکر آیات اکتفا می‌شود.

### ۴.۳ ظن غیرانسان به غیرانسان

از این نوع ظن جنیان به رستاخیز و خداوند نیز در دو آیه ۷ و ۱۲ سوره مبارکه جن سخن به میان آمده است: وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷) ... (۱۱) وَأَنَا ظَنَّنَا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا (۱۲).<sup>۵</sup>

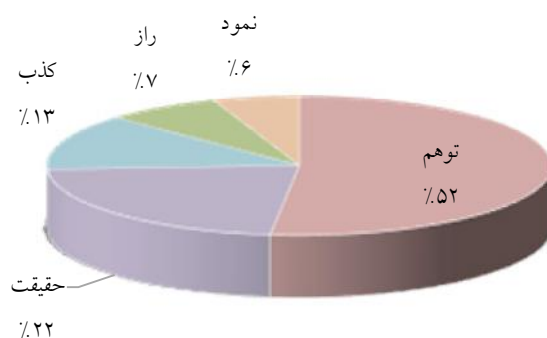
در مقام جمع‌بندی، می‌توان در نمودار زیر بسامد گونه‌های مختلف ظن را مشاهده نمود.



#### نمودار ۹. بسامد گونه‌های ظن در قرآن کریم

توجه به نمودار فوق ما را با این واقعیت روبرو می‌کند که در جهان‌بینی قرآنی از میان گونه‌های مختلف ظن، متعلق امور غیبی بالاترین بسامدها را به خود اختصاص داده است و در این میان ظن منکران به آخرت با بیشترین تعداد جلب توجه می‌نماید. روشن است که تمایل انسان در روی‌آوری به امور حاضر، و دشواری درک امور غیبی و نهان می‌تواند چنین نموداری را توجیه نماید.





نمودار ۱۰. بسامد گونه‌های ظن بر اساس مربع حقیقت‌نمایی

حال اگر بسامد انواع گونه‌های ظن انسان را بر اساس این مربع بررسی نماییم، درمی‌یابیم انسان در گفتمان قرآن کریم در مواجهه با امور متعدد مادی و معنوی بیش از همه با «توهم ادراکی» مواجه است. در واقع در لابه‌لای آیات به انسان به عنوان مخاطب کلی متن مقدس انذار داده شده است که اگر تلاشی برای پر کردن این توهم ادراکی خود نداشته باشد، محور آگاهی او به سوی «کذب» پیش خواهد رفت و بدین ترتیب از رسیدن به «حقیقت» محروم می‌گردد. اما اگر در راه پر کردن ظن خود تلاش نماید و به نشانه‌هایی که انبیاء و رسولان برای او آورده‌اند توجه نماید، محور آگاهی‌اش به سوی مقوله «حقیقت» متمایل می‌شود که این همان حرکت به سوی رستگاری است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بررسی آیات ناظر بر واژه ظن در گفتمان قرآن کریم نشان داد:

۱. گونه‌های ظن در ساختار قرآن کریم عبارت‌اند از:

- الف. ظن انسان به انسان با چهار زیرگونه: الف) ظن منکران به انبیاء؛ ب) ظن انبیاء به منکران؛ ج) ظن مؤمنان به مؤمنان؛ د) ظن مؤمنان به منکران.
- ب. ظن انسان به غیر انسان با چهار زیرگونه: الف) ظن انسان به خدا؛ ب) ظن انسان به آخرت؛ ج) ظن انسان به موجودات غیر زنده؛ د) ظن انسان به فرشتگان.

- ج. ظن غیرانسان به انسان

- د. ظن غیرانسان به غیرانسان

۲. مربع حقیقت‌نمایی گریماس ما را در تبیین جایگاه حقیقی ظن به عنوان حالتی ادراکی یاری می‌رساند و بیان می‌دارد که برخی از این ظنون صادق‌اند آنگاه که «نمود» و «بود»‌شان یکی شود، گاه کاذب‌اند آنگاه که «نه نمود» دارند و «نه بود»، و زمانی بصورت راز در می‌آیند آن هنگام که «بود» دارند اما «نمودی» ندارند. و زمانی که «نمود» دارند و «بودی» ندارند نشانگر توهم ادراکی انسان‌اند.

۳. کلمه ظن دلالت بر حالتی ادراکی دارد و نباید از آن صرفاً معنای حدس و گمان یا یقین و علم برداشت نمود. لذا با قرار دادن این واژه و متضادش در مربع حقیقت‌نمایی درمی‌یابیم که در امور غیرمادی همچون رسالت انبیاء، خداوند و صفات او و برپایی رستاخیز؛ ایمان و انکار فاعل شناسا نقش محوری دارد. چندانکه در خصوص موضوع رسالت انبیاء این فقط منکران‌اند که دچار توهم ادراکی می‌شوند و مؤمنان در این زمینه اساساً دچار تردید نمی‌گردند یا در وجهی دیگر منکران به عنوان فاعلان شناسا درباره خداوند و صفات او در دنیا همواره توهم داشته‌اند و استمرار این «توهم» آنان را به «کذب» رسانیده‌است. اما مؤمنان در همین جایگاه بسته به درجه ایمانشان با این مسأله به اشکال متفاوت برخورد می‌کنند. و در موضوع واحدی چون رستاخیز، با تحقق قیامت فاعل شناسای منکر از «کذب» به «صدق» می‌رسد و از همین روی احساس خسران می‌کند، درحالی‌که در آن روز «راز» یک فاعل شناسای مؤمن بدان باور داشت به «حقیقت» می‌پیوندد و لذا احساس سرخوشی می‌نماید.

۴. به‌طور کلی قرآن کریم بیان می‌دارد که انسان در مواجهه با امور، غالباً با توهم ادراکی روبه‌رو است و از انسان می‌خواهد که با تعقل و تدبر و تفکر در این توهم توقف ننماید و همواره تلاش نماید تا بر علم خود بیفزاید تا به حقیقت دست یابد، چرا که توهم ادراکی انسان همواره در بستر علم، به حقیقت نزدیک می‌شود و در بستر استمرار جهل، به کذب متمایل می‌گردد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. نیز آیات (جاثیه: ۲۴)، (نساء: ۱۵۷)، (انعام: ۱۴۸) و (بقره: ۷۸).

۲. صدق دو قضیه متضاد محال و کذب هر دو جایز است (خوانساری، / :).

۳. صدق یا کذب هر دو قضیه متناقض محال است (خوانساری، : / ).
۴. مثبت و منفی بودن شاخص‌ها هیچ‌گونه بار ارزشی ندارند و فقط برای زیر شاخصه‌سازی آورده می‌شود (Martin & Ringham, 2006: 61).
۵. نیز مدخل‌های مرتبط در:

Greimas, & Courtés. 1982. *Semiotics and Language*.

Martin & Ringham. 2006. *Key Terms In Semiotics*.

۶. وَقَالَ فِرْعَوْنُ ... وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ 5 (قصص: ۳۸)؛ 6... فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا 5 (إسراء: ۱۱۰).

۷. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ 5 (اعراف: ۶۶).

۸. قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِإِدْبَارِ الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ 5 (هود: ۲۷).

۹. وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا 5 (نساء: ۱۵۷)؛ 6 بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا 5 (فتح: ۱۲).

۱۰. ... وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا 5 (إسراء: ۱۰۲)؛ 6 حتى إذا استبأس الرُّسُلُ وظنوا أنهم قد كذبوا 5... (يوسف: ۱۱۰).

۱۱. ... فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَبَلَكَ حُدُودَ اللَّهِ يَبِينُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ 5 (بقره: ۲۳۰)؛ 6 يا أيها الذين آمنوا اجتنبوا كثيراً من الظن إن بعض الظن إثم... 5 (حجرات: ۱۲).

۱۲. وإذ زاغت الأبصار وبلغت القلوب الحناجر وتظنون بالله الظنونا 5 (احزاب: ۱۰)؛ 6 ... وظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه ثم تاب عليهم... 5 (توبه: ۱۱۸)؛ 6 وذا النون إذ ذهب مغاضياً فظن أن لن نقدر عليه... 5 (انبیاء: ۸۷).

۱۳. ... قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا إن تتبعون إلا الظن وإن أنتم إلا تخرصون 5 ظن منكران به خداوند و صفات او در آیات دیگری نیز مطرح شده است: 6 وما خلقنا السماء والأرض وما بينهما باطلاً ذلك ظن الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار 5 (ص: ۲۷)؛ 6 .. إذ قال لأبيه وقومه ما ذا تعبدون (۸۵) أ إفكاً آلهة دون الله تريدون (۸۶) فما ظنكم برب العالمين (۸۷) 5 (الصافات)؛ 6 ... وما كنتم تستترون أن يشهد عليكم سمعكم ولا أبصاركم ولا جلودكم ولكن ظننتم أن الله لا يعلم كثيراً مما



- الطبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م). *تفسیر کبیر (تفسیر القرآن العظیم)*، اردن: دارالکتاب الثقافی.
- الطبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲م). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۱ش). *مبانی معناشناسی نوین*، تهران: سمت.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۷ش). روش مطالعه گفته‌ای و گفتمانی در حوزه نشانه معناشناسی. *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر*. به کوشش: فرهاد ساسانی، تهران: فرهنگستان هنر، شماره ۱۳.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲ش). *تجزیه و تحلیل نشانه معناشناسی گفتمان*، تهران: سمت.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۵ش). *منطق صوری*، تهران: انتشارات آگاه.

Bronwen Martin & Felizitas Ringham (2006). *Key Terms In Semiotics*, Great Britain: MPG Books Ltd.

Greimas, Algirdas Julien & Joseph Courtâes (1982). *Semiotics and Language : An Analytical Dictionary* ,Trans. L. Crist , D. Patte and al. Bloomington,IN: Indiana University Press.

Hebert, Louis (2011). *Tools for Text and Image Analysis: An introduction to applied semiotics* (trans. Julie Tabler), <http://www.signosemio.com> ۱۳۹۷/۷/۵ .